



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2022.76377.1146>

مقاله پژوهشی

تبیین دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی اسرائیل در قفقاز و آسیای مرکزی (با تاکید بر آذربایجان و قزاقستان)

سید مهدی موسوی شهیدی (استادیار گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

s.m.mousavi1990@ut.ac.ir

بهادر زارعی (دانشیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک گروه جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

b.zarei@ut.ac.ir

مرجان بدیعی ازندهای (استادیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک گروه جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mbadiee@ut.ac.ir

صص ۴۶-۲۵

چکیده

رژیم صهیونیستی اسرائیل از دهه ۱۹۶۰ سعی کرد که با دکترین اتحاد پیرامونی از انزوای ژئوپلیتیکی خارج شده و به ارتباط با سایر کشورها اقدام کند. در این میان مناطقی نظیر مدیترانه، شمال آفریقا، قفقاز و آسیای مرکزی در اولویت اسرائیل قرار گرفت. در این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی دکترین پیرامونی اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به عنوان دو حوزه ژئوپلیتیکی مهم در شمال ایران پرداخته شده است. نتایج حاصل از پژوهش که اکثراً از متون و وبسایت‌های معتبر خارجی استخراج شده است نشان می‌دهد که دکترین پیرامونی اسرائیل علی‌رغم شروع خوب، نتوانست مشارکت‌های منطقه‌ای پایدار با پنج کشور (قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، ازبکستان و ترکمنستان) ایجاد کند. در نقطه مقابل دکترین پیرامونی اسرائیل در آذربایجان و قزاقستان نسبت به این پنج کشور تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است. در این راستا محرک‌های اصلی رژیم اسرائیل برای روابط با آذربایجان و قزاقستان نشان‌دهنده نتایج یکسانی می‌باشد نظیر تامین منابع انرژی (۴۰ درصد از آذربایجان و ۱۵-۲۵ درصد از قزاقستان)، وجود دو کشور با جمعیت اکثریت مسلمان و ساختار لائیک و استفاده از این اهرم، استفاده از کشور ایالات متحده آمریکا و لابی‌های خود در کنگره این کشور برای روابط با آذربایجان و قزاقستان، فروش تسلیحات و همچنین هم‌مرز بودن این کشورها با ایران و استفاده نظامی و سایبری از این ظرفیت در راستای استراتژیک استماع.

واژگان کلیدی: اسرائیل، دکترین پیرامونی، قفقاز، آسیای مرکزی، آذربایجان، قزاقستان.

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین استراتژی‌های سیاسی اسرائیل، که آغاز آن را می‌توان در دهه اول حیاتش ردیابی کرد، توسعه روابط با دولت‌ها و گروه‌های اقلیت بود که به «دکترین پیرامون» معروف شد. در واقع، اسرائیل در دهه ۱۹۶۰ با پرداختن به این روندها و ادراکات، راهبردی را برای کاهش انزوای منطقه‌ای خود با عنوان «دکترین پیرامونی» تدوین کرد. این استراتژی به عنوان ابزاری برای متعادل کردن پان‌عربیسم و برقراری توازن قوا در برابر کشورهای عرب پیرامون بوده که با آن‌ها روابط ضعیفی داشت، و همچنین راهی برای تقویت روابط امنیتی و اقتصادی و کاهش انزوای خود بود. پس از وخامت روابط با دولت‌های پیرامون نظیر ترکیه در مرحله اول استراتژی، اسرائیل شروع به تحکیم روابط جدید خود با کشورهای پیرامونی کرده تا ظاهراً جایگزینی برای آنکارا پیدا کند. مطالعات متعدد نشان‌دهنده احیای دکترین پیرامونی می‌باشد که این مهم به‌ویژه در مناطقی نظیر قفقاز، آسیای مرکزی، شمال آفریقا و دریای مدیترانه (جایی که یک «شبه اتحاد» رو به رشد بین اسرائیل، یونان و قبرس در حال توسعه است) (Tziararas, 2016) بیشتر به چشم می‌خورد. بنابراین، دکترین پیرامونی به عنوان پایه اصلی سیاست خارجی اسرائیل باقی مانده که مطالعه بیشتر آن می‌تواند به بینش در ارتباط با روابط اسرائیل با این مناطق کمک کند. در این میان کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز برای اسرائیل با توجه به ساختار حکومتی آن‌ها و منابع انرژی موجود در این مناطق و همچنین موقعیت جغرافیایی آن‌ها در مرز با ایران دارای جایگاه ویژه و برجسته‌ای برای مشارکت بوده است. مبنای این نوع مشارکت استراتژیک، منافع امنیتی و اقتصادی برای اسرائیل و طرف‌های مقابل بوده و چنین روابطی در راستای کاهش انزوای اسرائیل و تعادل در برابر محور (ایران - حزب الله و سوریه) بوده است. حال مسئله‌ی اصلی این پژوهش این است که دکترین پیرامونی اسرائیل در قفقاز و آسیای مرکزی چه سیاست‌هایی را دنبال کرده و تا چه حد موفقیت‌آمیز بوده است؟

مبانی نظری

دکترین اتحاد پیرامونی رژیم اسرائیل

در اکتبر ۱۹۶۰، دیوید بن گوریون، نخست‌وزیر سابق اسرائیل در کنفرانسی در کنست، توضیح داد که روابط بین اسرائیل و ایران «روابط دوستانه پنهان اما غیررسمی» است و این دوستی مبتنی بر سود متقابل برای دو کشور است (Gilad, 2002: 253). چنین ارتباطی با ایران نشان‌دهنده تلاش‌های اسرائیل برای برقراری روابط با کشورهای غیر عرب منطقه بود. این روابط که تقریباً ربع قرن به طول انجامید و شامل معاهدات یا موافقت‌نامه‌های رسمی نبود. به نظر می‌رسد که همه دولت‌های درگیر ذاتاً درک می‌کردند که مشارکت بین یهود و ملت‌های عمدتاً اسلامی «پدیده‌ای طبیعی» نیست که برای رسمی‌سازی روابط مفید باشد. هر یک از طرفین بر اساس تخمین خود مبنی بر اینکه عضویت در آن به بهترین وجه منافع ملی آن‌ها را تامین می‌کند، خواه روابط آشکار یا پنهان باشد، خود را در این روابط و تعاملات مشارکت می‌دادند. اکثر کشورها فکر می‌کردند که این نوع روابط پنهانی مناسب‌تر است، زیرا اسرائیل فاقد نمایندگی رسمی و دیپلماتیک در سطوح

بالا با اکثریت کشورهای پیرامونی بود. بر اساس اسناد طبقه‌بندی‌شده آمریکایی، بن‌گوریون همچنین سودان و شاید عراق را در فهرست کشورهای پیرامونی بالقوه خود برای تقویت روابط با ترکیه، ایران و اتیوپی قرار داده بود (Reid, 1959). به‌احتمال زیاد، اشاره به سودان و عراق به تلاش‌ها برای بهبود روابط با اقلیت مسیحیان و کردهای موجود در این دو کشور مربوط می‌شد (Peters, 1987: 27-28). همه کشورها طرفدار غرب بودند و از سوی دیگر از پان‌عرب‌یسم رادیکال به رهبری جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر که روز به روز در حال افزایش بود احساس خطر می‌کردند. بن‌گوریون سه دلیل برای ایجاد دکترین پیرامونی توسط اسرائیل توضیح می‌داد. اولی مربوط به مزایای امنیتی از جمله امکان «مشغول کردن» دشمن اسرائیل با دیگر دشمنان بود که می‌شد از چنین روابطی به دست آورد. علاوه بر این، منافعی که از روابط با اسرائیل توسط سایر کشورها به دست می‌آمد می‌توانست کشورهای عربی را در مورد ارزش توسعه روابط با اسرائیل متقاعد کند. سرانجام، اسرائیل این امکان را درک کرد که به ایالات متحده نشان دهد که به شدت به اردوگاه طرفدار آمریکا تعلق دارد (Alpher, 2010: 2). از آنجایی که تل‌آویو تقریباً به طور قطع به عنوان یک نیروی مسلط تلقی می‌شد، تصور می‌شد که ایالات متحده در نهایت اسرائیل را به عنوان یک دارایی استراتژیک می‌بیند (Bengio, 2010: 41). یادآوری این نکته حائز اهمیت است که در این برهه از زمان، از نظر رهبران آمریکا، اسرائیل باری بر دوش ایالات متحده و مانعی بزرگ برای واردکردن جهان عرب به حوزه نفوذ ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شد. تقویت روابط با ایالات متحده در این دوره برای اسرائیل اهمیت ویژه‌ای داشت، زیرا در زمان آغاز جنگ ۱۹۶۷، روابط فرانسه و اسرائیل بیش از پیش تیره‌تر شده بود. بنابراین متحد اصلی اسرائیل، ایالات متحده بود و اسرائیل از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی به شدت به ایالات متحده وابسته بود. در آن دوره، ایالات متحده تمایلی به پاسخگویی متقابل به تلاش‌های اسرائیل برای تقویت روابط دوجانبه نداشت. در عوض، ترجیح می‌داد یک نگرش کاملاً محتاطانه اتخاذ کند، به‌ویژه پس از کمپین سینا که آمریکا از اعطای ضمانت‌های رسمی به اسرائیل امتناع ورزید و به طور رسمی (البته به طور موقت) انتقال تسلیحات را به این رژیم متوقف کرد تا روابط ایالات متحده با کشورهای عربی آسیب نبیند. از منظر اطلاعاتی، تماس‌های مخفیانه با سرویس‌های اطلاعاتی بازیگران پیرامونی، که توسط سران وقت موساد، «روون شیلاوا، ایسار هارل و میر آمیت» تنظیم شده بود، تنها زمینه را برای ملاقات‌های چندجانبه در میان بازیگران پیرامونی ایجاد کرد. به این ترتیب، این فرصت‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفتند و تنها مظهر تعاملات چندجانبه در اتحاد عمدتاً دوجانبه تبدیل شده بودند (Merhav, 2006). در عرصه اقتصادی، ایران برای اسرائیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا عمده نفت اسرائیل توسط ایران تامین می‌شد و بخشی از این نفت پس از تبدیل شدن به منابع انرژی مختلف توسط پروژه‌های تقطیر اسرائیل، در نهایت به اروپا صادر می‌شد (Bialer, 2007: 36-37)، همچنین به این دلیل که جمعیت یهودی در ایران وجود داشت، از نظر امنیتی، روابط نزدیک نظامی بین نهادهای امنیتی ایران و اسرائیل شکل گرفت. به عنوان مثال، ایران و اتیوپی، به مقاصد مطلوب برای صادرات تسلیحات اسرائیل تبدیل شده بودند.

علاوه بر بعد ژئوپلیتیکی، چنین تعاملاتی به اسرائیل این امکان را می‌داد که روابط نزدیک‌تری با جوامع یهودی در این کشورهای مربوطه و منطقه وسیع‌تر برقرار کند و به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا در صورت صلاحدید یا در صورت اقتضای شرایط، به کسانی که مایل به فرار به اسرائیل هستند کمک کنند (Inor, 2002). شاید یکی از بهترین نمونه‌ها مربوط به مهاجرت تعداد زیادی از یهودیان از ایران در پی سقوط شاه و شکل‌گیری جمهوری اسلامی باشد که بسیاری از آن‌ها اسرائیل را به عنوان مقصد نهایی خود انتخاب کردند. با برکناری سلاسی در اتیوپی و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) و بدتر شدن روابط با دو کشور مربوطه ترکیه به‌عنوان تنها عضو دولت - ملت در روابط با اسرائیل باقی ماند (Alpher, 2010: 3). پس از برکناری سلاسی در اتیوپی و شاه در ایران، آنکارا تنها شریک معنی‌دار غیر عرب اسرائیل باقی ماند. دیدارهای دیپلماتیک متقابل به‌طور منظم به‌ویژه با شکوفایی روابط اقتصادی بین ترکیه و اسرائیل صورت می‌گرفت. بنابراین، از یک سو، به نظر می‌رسید بهبودی در روابط دوجانبه اسرائیل با کشورهای پیرامونی صورت گرفته بود، که تا زمان تغییر رژیم در ایران و اتیوپی، مزایای زیادی را برای اسرائیل به همراه داشت. با این حال، حتی با وجود این روابط و روابط نزدیک با آمریکا هرگز تغییر قابل توجهی در سیاست کشورهای عربی نسبت به اسرائیل ایجاد نشد (Heller, 2010: 27). بنابراین اگر اهداف اسرائیل تضمین تامین نفت، افزایش روابط اقتصادی، بهبود روابط خود با کشورهای غیر عرب و توسعه ارتباطات مهم با جوامع یهودی بود، می‌توان گفت که اسرائیل به سطح معینی از موفقیت دست یافته بود. اگر اهداف اسرائیل توسعه اتحادهای چندجانبه، تغییر سیاست کشورهای عربی یا گسترش روابط با جهان عرب بود، به نظر می‌رسید که موفقیت چندانی کسب نکرده است (Guzansky, 2015).

در حال حاضر دلایل متعددی وجود دارد که توجه به پیرامون دوباره در میان سیاست‌گذاران اسرائیلی برجسته شده است. این دلایل شامل تمایل در راستای کاهش انزوای اسرائیل، بن‌بست فعلی در روند صلح، ادامه صلح سرد با مصر و اردن (در مقابل عادی‌سازی کامل)، عادی‌سازی روابط با بحرین و امارات متحده عربی و وخامت در روابط با ترکیه است. در مورد ترکیه، اسرائیل نه تنها به دنبال جایگزینی، بلکه به دنبال راهی برای اعمال فشار بر آنکارا برای تعدیل رفتار خود در قبال اسرائیل بوده است. بنابراین اسرائیل در حال حاضر به ادامه دکترین پیرامونی خود به خصوص در مناطقی نظیر قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی، مدیترانه و آفریقا اقدام کرده است.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از منظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با استفاده از متون معتبر خارجی و وب‌سایت‌های معتبر جهانی انجام شده است. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کیفی و با استفاده از منطق، تفکر و استدلال انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

دورنمای روابط اسرائیل با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز

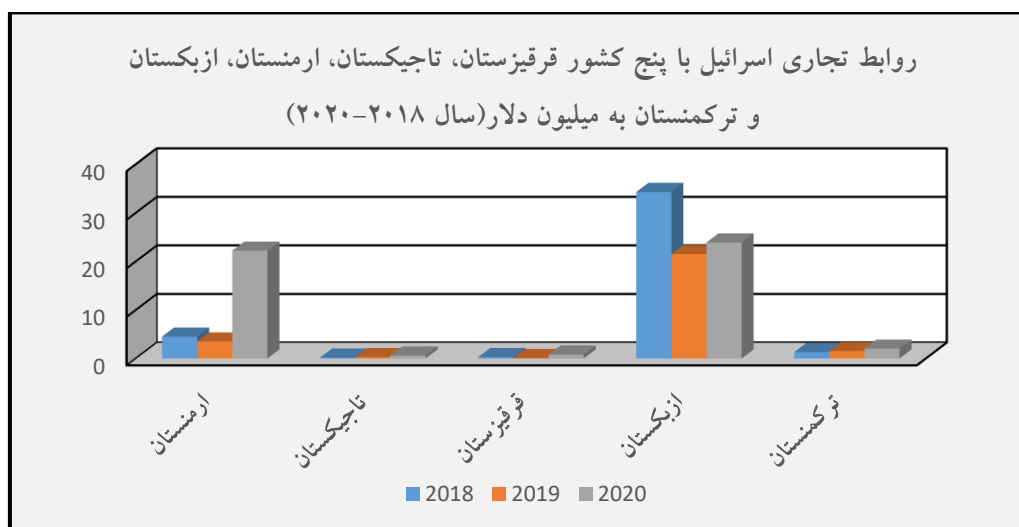
روابط اسرائیل با کشورهای دو حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز و آسیای مرکزی نشان می‌دهد اسرائیل حداقل روابط دوجانبه با پنج کشور قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، ازبکستان و ترکمنستان دارد. در واقع، قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان و ترکمنستان هرگز در اسرائیل سفارت باز نکردند، در حالی که اسرائیل هیچ سفارتی در ارمنستان، تاجیکستان یا قرقیزستان ندارد (IMFA, 2016). ترکمنستان پس از رد درخواست‌های متعدد، فقط در سال ۲۰۱۰ به اسرائیل اجازه داد سفارت خود را در این کشور باز کند، اگرچه سفیر اسرائیل در اورشلیم مستقر است (IMFA, 2016). علاوه بر این، سفرهای رسمی بین تاجیکستان، ترکمنستان، ارمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و اسرائیل به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. اگرچه دیدارهای متقابل در سطح بالا و ۲۹ معاهده دوجانبه، مشخصه روابط ازبکستان و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ بوده است در دهه ۲۰۰۰ هیچ سفر دولتی یا توافقنامه جدیدی بین کشورها اعلام نشده است. در حالی که نیازوف رئیس جمهور وقت ترکمنستان در ماه مه ۱۹۹۵ از اسرائیل بازدید کرد، سفر بلندپایه بعدی یک مقام ترکمنستانی در سال ۲۰۱۶ انجام شد و به یک وزیر خارجه محدود شده است (Keinon, 2016). در سال ۱۹۹۲، آقایف، رئیس جمهور وقت قرقیزستان از اورشلیم بازدید کرد و اعلام کرد که قرقیزستان سفارت خود را در آنجا باز خواهد کرد، با این حال، این وعده محقق نشده باقی مانده است. در نهایت نه ارمنستان و نه تاجیکستان سران دولت را به اسرائیل نفرستاده‌اند. هم‌زمان، هیچ یک از رهبران اسرائیلی از ارمنستان، تاجیکستان یا قرقیزستان بازدید نکردند، در حالی که اسرائیل هرگز توافقنامه واحدی با قرقیزستان امضا نکرده است (IMFA, 2016) اگرچه ارمنستان وزرای خارجه را در چهار نوبت جداگانه به اسرائیل فرستاد، بالاترین مقام اسرائیلی که متقابلاً از ارمنستان دیدن کرد وزیر همکاری منطقه‌ای «تزاچی هانگی» بود (IMFA, 2019) فقدان ابتکار اسرائیل نشان می‌دهد که فقدان روابط عمومی سطح بالای معاصر با این کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی را نمی‌توان صرفاً به بازیگران محلی نسبت داد. برخلاف ادعاهای موجود در ادبیات منطقه‌ای متمرکز از دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، اسرائیل امروز روابط با اکثر کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی را اولویت سیاست خارجی نمی‌داند. سطوح پایین تجارت دوجانبه پیوسته نیز نشان‌دهنده نفوذ کمیاب منطقه‌ای معاصر اسرائیل است. اسرائیل در رده پنج صادرکننده و واردکننده برتر ارمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان یا قرقیزستان قرار ندارد (IEI, 2019). در حال حاضر تنها ارمنستان و ازبکستان پروازهای تجاری مستقیم به اسرائیل ارائه می‌دهند (Cashman & Fay, 2016). حتی صنعت اسلحه معروف اسرائیل نیز با این پنج کشور درگیر نیست. بر اساس پایگاه داده انتقال تسلیحات موسسه تحقیقات صلح استکهلم هیچ سابقه‌ای از فروش تسلیحات اسرائیل به ازبکستان، قرقیزستان، ارمنستان یا تاجیکستان وجود ندارد. اگرچه اسرائیل مقداری تسلیحات به ترکمنستان فروخت، اما ارزش کل خرید از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۸ کمتر از یک میلیون دلار بوده است. در مقابل، روسیه و ترکیه در همین بازه زمانی ۳۷۰ و ۴۰۰ میلیون دلار سلاح به ترکمنستان فروختند (SIPRI, 2019). در مجموع، روابط

دوجانبه با اکثر کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی که پس از یک شروع امیدوارکننده توسط اسرائیل از بین رفته است، نمونه‌ای از حضور کم رنگ اسرائیل در منطقه را در حال حاضر نشان می‌دهد. شهروندان یهودی این کشورها، که بیشتر آن‌ها به اسرائیل مهاجرت کردند، ظاهراً تأثیر ناچیزی در تقویت روابط دوجانبه داشتند. بنابراین، دکترین پیرامونی نتوانست مشارکت‌های منطقه‌ای پایدار با این پنج کشور (قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، ازبکستان و ترکمنستان) ایجاد کند (Pinfold & Peters, 2019: 10-11).

جدول ۱. روابط تجاری اسرائیل با پنج کشور قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، ازبکستان و ترکمنستان به میلیون دلار

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
ارمنستان	۴.۴	۳.۴	۲.۳	۳.۱	۴.۵	۳.۵	۲۲.۲۶۲
تاجیکستان	۰.۹	۰.۷	۰.۷	۰.۴	۰.۲	۰.۳	۰.۶۷۵
قرقیزستان	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۱	۰.۳	۰.۱	۰.۸۷۲
ازبکستان	۴۰.۲	۱۶.۴	۱۷.۳	۲۱.۱	۳۴.۳	۲۱.۵	۲۳.۹۴
ترکمنستان	۱۲.۰	۲۴	۵.۷	۵.۸	۱.۳	۱.۵	۲.۰۳۴

Source: Worldbank, 2020



نمودار ۱. روابط تجاری اسرائیل با پنج کشور قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، ازبکستان و ترکمنستان به میلیون دلار

(Source: Worldbank, 2020)

در مقابل وضعیت موجود در آذربایجان و قزاقستان وضعیت متفاوتی را نشان می‌دهد، گزارش‌های اخیر رسانه‌ها و اتاق‌های فکر نشان می‌دهد که دکترین پیرامونی اسرائیل در آذربایجان و قزاقستان بادوام و موفق بوده است. همکاری امنیتی اسرائیل با آذربایجان و روابط رو به رشد بین اسرائیل و قزاقستان توجه ناظران را برانگیخته است (Feiler & Lim,)

2014). اسماعیلوف به عنوان یکی از نویسندگان شناخته شده ادعا می کند که «آذربایجان احتمالاً تنها کشور مسلمانی است که اسرائیل با آن روابط واقعاً صمیمانه‌ای دارد» (Ismayilov, 2013,75). به طور خاص، اندیشمندان این حوزه معتقد هستند که دکترین پیرامونی اسرائیل به ایجاد پیوندهای تجاری و سیاسی گسترده با قزاقستان و آذربایجان اقدام کرده است (Feiler & Lim, 2014; Grebennikov, 2015; Murinson, 2014).

تداوم سفرهای دیپلماتیک بلندپایه اسرائیل به آذربایجان و قزاقستان ظاهراً این ادعا را در ارتباط با روابط اسرائیل با آذربایجان و قزاقستان تأیید می کند که روابط دوجانبه قوی بین آن‌ها وجود دارد. در سال ۱۹۹۷، نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو به عنوان اولین رئیس دولت اسرائیل شناخته می شد که به آذربایجان سفر کرده است. نتانیاهو متعاقباً در سال ۲۰۱۶ نیز این سفر را تکرار کرده است (Maier, 2016). علاوه بر این، وزرای دفاع اسرائیل در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ میزبان آذربایجان بودند (Keinon, 2018; Murinson, 2014). آذربایجان همچنین در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ میزبان «آویگدور لیبرمن» وزیر امور خارجه اسرائیل بود. دیگر رهبران اسرائیلی که به این کشور سفر کردند عبارتند از: نخست‌وزیر «یهود اولمرت» در سال ۲۰۱۰، «رئیس جمهور شیمون پرز» در سال ۲۰۰۹ و وزیر امور خارجه «تزیبی لیونی» در سال ۲۰۰۷ (پری، ۲۰۱۲؛ شفر، ۲۰۱۳). اگرچه قزاقستان نسبت به آذربایجان کمتر میزان رهبران اسرائیلی بوده است، اما متقابلاً بازدیدهای رسمی بیشتری نسبت به آذربایجان داشته است. رئیس جمهور اسرائیل در سال ۱۹۹۳ از قزاقستان بازدید کرد. شیمون پرز به عنوان وزیر امور خارجه در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ به قزاقستان سفر کرد (Feiler & Lim, 2014). در دسامبر ۲۰۱۶، بنیامین نتانیاهو اولین نخست‌وزیر اسرائیلی بود که از قزاقستان بازدید کرد. در مقابل، اسرائیل سه بار میزبان نورسلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان در سال‌های ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۳ بوده است (Keinon, 2019). بازدیدهای رسمی اخیر قزاقستان شامل دو وزیر دفاع در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ می شود (Keinon, 2019). بر این اساس، آذربایجان و قزاقستان برای حفظ جایگاه خود به عنوان مقاصد مهم منطقه‌ای برای سیاستمداران اسرائیلی دارای جایگاه استثنایی هستند (Pinfold & Peters, 2019: 11-12).

قزاقستان و آذربایجان با تقلید از مشخصه‌های دکترین پیرامونی اسرائیل، روابط خود را با اسرائیل در راستای عمق بخشیدن به روابط با ایالات متحده آمریکا دنبال کرده‌اند. قزاقستان با راضی نگه داشتن اسرائیل روابط با ایالات متحده را از طرف خود تضمین کرده است (Feiler & Lim, 2014). روابط آذربایجان با اسرائیل به ویژه برجسته تر است، زیرا سفیر باکو در کنفرانس سال ۲۰۱۷ در کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل^۱ سخنرانی کرد (Tibon, 2018). هم‌زمان، هم قزاقستان و هم آذربایجان از لحاظ تاریخی محل تجمع منطقه‌ای جمعیت وسیعی از یهودیان بودند که در دهه ۱۹۹۰ به صورت دسته-جمعی به اسرائیل نقل مکان کردند. فقدان یهودی ستیزی و تنش در آذربایجان یا قزاقستان نسبت به اسرائیل، اسرائیل را تشویق به تحکیم روابط خود با این دو کشور کرد (Bishku, 2009; Murinson, 2014). در کنار دیپلماسی عمومی،

محققان اشاره کرده‌اند که تجارت سالانه اسرائیل با آذربایجان و قزاقستان اخیراً افزایش یافته است. تا سال ۲۰۱۲، تجارت دوجانبه اسرائیل و قزاقستان از سال ۱۹۹۲ به میزان ۳۰ برابر افزایش یافته بود، در حالی که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، اسرائیل از دهمین شریک تجاری بزرگ آذربایجان به پنجمین شریک تجاری خود رسید (Bourtman, 2006; Feiler & Lim, 2014). تجارت اسرائیل با آذربایجان و قزاقستان نیز تعاملات تجاری بسیار محدود آن با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای را کاهش داده است. بالاترین سطح تجارت سالانه اسرائیل با هر یک از پنج کشور بررسی شده در بالا، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، ۴۰.۲ میلیون دلار با ازبکستان بوده است. جدول زیر نشان می‌دهد که در یک دوره زمانی، تجارت اسرائیل با آذربایجان و قزاقستان همیشه بالاتر بوده است. با این حال ارزش واقعی تجارت با آذربایجان و قزاقستان به طور قابل توجهی بالاتر از این ارقام منتشر شده دولتی است. وزیر خارجه وقت اسرائیل لیبرمن اعلام کرد که در سال ۲۰۱۲ تجارت سالانه اسرائیل با آذربایجان به ۴ میلیارد دلار رسیده است (Aghayeva, 2012). به همین ترتیب، تجارت سالانه اسرائیل با قزاقستان در سال ۲۰۱۵ تقریباً ۱.۵ میلیارد دلار بوده است (Feiler & Lim, 2014). این اختلافات ناشی از آمار رسمی اسرائیل است که دو متغیر مهم انرژی و فروش تسلیحات را حذف کرده است. بر اساس ارقام غیررسمی، آذربایجان ۴۰ درصد نفت مورد نیاز سالانه اسرائیل را تامین می‌کند، در حالی که قزاقستان ۲۵ درصد دیگر را تامین می‌کند. همچنین نهادهای دولتی و خصوصی اسرائیل در آذربایجان و قزاقستان، آموزش‌های نظامی و هواپیماهای بدون سرنشین (بهباد) را ارائه کرده‌اند (Feiler & Lim, 2014, Pinfeld & Peters, 2019: 11- 12).

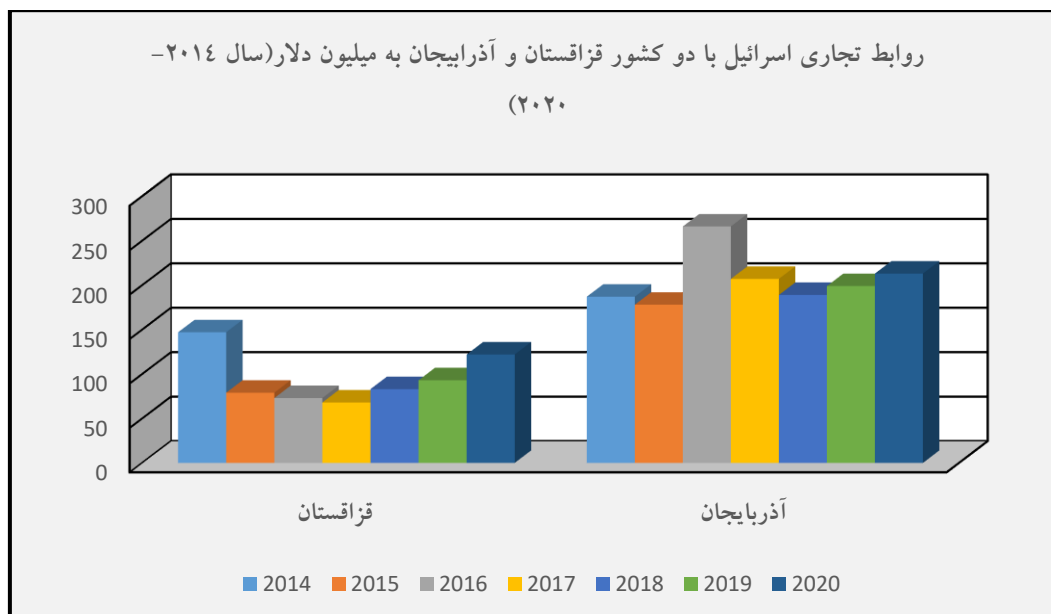
داده‌های موجود حاکی از آن است که اسرائیل به ترتیب ۸۵۲ و ۴۰ میلیون دلار به آذربایجان و قزاقستان تسلیحات فروخته است. رقم واقعی ممکن است نسبت به این داده‌ها بیشتر باشد، بدین صورت که در سال ۲۰۱۶، رئیس جمهور آذربایجان ادعا کرد که کشورش ۵ میلیارد دلار تسلیحات از اسرائیل خریداری کرده است (Melman, 2016, Pinfeld & Peters, 2019: 11- 12).

بررسی آمار روابط تجاری بین اسرائیل با قزاقستان و آذربایجان در حدها ۲۰۱۴-۲۰۲۰ نشان دهنده روند رو به رشد روابط بوده است بدین صورت که در سال ۲۰۲۰ با روابط تجاری ۱۲۲ میلیون دلاری بین قزاقستان و اسرائیل و همچنین ۲۱۳ میلیون دلاری بین آذربایجان و اسرائیل بالاترین روابط در حدها ۶ سال ثبت شده است.

جدول ۲. تجارت دو جانبه اسرائیل با قزاقستان و آذربایجان (میلیون دلار)

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
قزاقستان	۱۴۷	۷۹	۷۳	۶۸	۸۳	۹۳	۱۲۲
آذربایجان	۱۸۷	۱۷۸	۲۶۶	۲۰۷	۱۸۹	۱۹۹	۲۱۳

Source: world Bank, 2020



نمودار ۲. روابط تجاری اسرائیل با قزاقستان و آذربایجان (میلیون دلار)

(Source: Worldbank, 2020)

در ادامه با توجه به اهمیت قزاقستان و آذربایجان برای اسرائیل در دکترین پیرامونی آن و همچنین روابط رو به رشد بین اسرائیل و این دو کشور به بررسی روابط آن‌ها می‌پردازیم.

روابط اسرائیل با قزاقستان

رژیم صهیونیستی همواره به دنبال پیگیری استراتژی بوده است که از طریق آن بتواند برانزوای خود در منطقه خاورمیانه غلبه کرده و نقش فعالی را در موضوعات منطقه‌ای داشته باشد. با توجه به اختلاف تاریخی رژیم صهیونیستی با جهان عرب، برقراری ارتباط با کشورهای غیر عرب و اقلیت‌های مذهبی و نژادی موجود در منطقه مهم‌ترین ابزار رژیم صهیونیستی برای دستیابی به این استراتژی بوده است. این تمایل در دهه‌های اول شکل‌گیری رژیم صهیونیستی بیشتر از طریق استراتژی اتحاد پیرامونی پیگیری می‌شد که به وسیله بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مطرح شده بود. "از اواسط دهه ۵۰ میلادی به بعد رژیم جوان و آسیب‌پذیر صهیونیستی به تهدیدها از سوی دولت‌های متخاصم عربی از طریق دکترین "اتحاد پیرامونی" پاسخ می‌داد. این دکترین تفکری برای دور زدن کشورهای عرب خاورمیانه و گسترش روابط با کشورهای غیر عرب یا غیرمسلمان و از لحاظ جغرافیایی دور از دولت‌های عربی بود. این رویکرد خود متأثر از تفکری بود که از اوایل دهه ۲۰ میلادی و به رهبری شبه‌دولتی یشو یا جمعیت یهودی در فلسطین، شروع شده بود" (Alpher, 2013:2). آسیای مرکزی و قفقاز را می‌توان نقاط عطفی در استراتژی پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی دانست. با توجه به سابقه نسبتاً خوب رژیم صهیونیستی با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کشورهای این

منطقه از جمله گزینه‌های بسیار مناسبی هستند که می‌توانند، رژیم صهیونیستی اسرائیل را در زمینه دستیابی به اهداف خود کمک کنند." کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌توانند نقش بین‌المللی جدیدی را برای رژیم صهیونیستی جدا از اختلافات موجود در خاورمیانه تعریف کنند. در این نقش جدید، رژیم صهیونیستی به جای تمرکز بر اختلافات به دنبال بهره‌برداری از منافع اقتصادی و انرژی خواهد بود. این اتحاد می‌تواند، گرایش‌های سکولار را در جهان اسلام تقویت کرده و چهره رژیم صهیونیستی را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بازتاب دهد. این تصویرسازی بیشتر مدیون مهارت‌های فناورانه و سازوکارهای اقتصادی رژیم صهیونیستی است تا نقش رژیم صهیونیستی به‌عنوان کشور درگیر در جنگ. جنبه منفی این اتحاد برای رژیم صهیونیستی نیز جانب‌داری و ارتباط با رژیم‌های دیکتاتوری است که مشروعیت آن‌ها ممکن است در سال‌های آینده دچار چالش شود" (Laruelle, 2012:3). سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌رغم اهمیت کلی منطقه آسیای مرکزی برای رژیم صهیونیستی، برقراری روابط با قزاقستان و ازبکستان اولویت به‌خصوصی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی داشت. رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۱ استقلال قزاقستان را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک میان دو کشور از سال ۱۹۹۲ به بعد در حال افزایش بوده است. "قزاقستان در کنار کشورهایمانند ازبکستان و آذربایجان از جمله کشورهایی هستند که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند از طریق توسعه روابط سیاسی - اقتصادی با آن‌ها اهداف خود چه در زمینه بهبود وضعیت سیاسی پناهندگان یهودی در کشورهای مذکور و چه در زمینه بسترسازی برای تشکیل دولت - ملت یهودی - صهیونیستی را محقق سازد. "تعداد جمعیت یهودی قزاقستان در حال حاضر ۳۳۰۰ نفر است. در حالیکه این بیشتر از جمعیت یهودی تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان است، کمتر از جمعیت یهودی ازبکستان (۴۲۰۰) و جمعیت یهودی جمهوری آذربایجان (۸۸۰۰ نفر) است. همچنین بر اساس آمار سفیر سابق رژیم صهیونیستی در قزاقستان، می‌آمی^۱ که خود نیز متولد قزاقستان است، حدود ۱۰ هزار نفر در حال حاضر در قزاقستان سکونت دارند. بیشتر جمعیت یهودی در مرکز قزاقستان، آلماتی قرار دارند" (Feiler and Lim, 2014:24).

1. Israel Miy-Ami



نقشه ۱. نقشه سیاسی جمهوری قزاقستان در آسیای مرکزی

(Authors)

قزاقستان از نظر اهمیت استراتژیک، نشان دهنده روابط اسرائیل با کشورهای غنی از انرژی و کشورهای شوروی سابق است که مشخصه آن‌ها دولت‌های رسمی سکولار اما عموماً مسلمانان معتدل هستند، که یک ناهنجاری آشکار در منطقه‌ای است که کشورهای مسلمان در آن حضور دارند. کشورهای بزرگی که هنوز در تضاد با اسرائیل هستند. قزاقستان سعی کرده که در زمینه انرژی و اقتصاد با اسرائیل تعاملات گسترده‌ای داشته باشد. اسرائیل روزانه تقریباً ۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت مصرف می‌کند (یعنی ۱۰۹ میلیون بشکه در سال)، که ۹۸ درصد آن را با هزینه سالانه ۱۰ میلیارد دلار وارد می‌کند. تصور می‌شود که قزاقستان بین ۱۵ تا ۲۵ درصد نیازهای اسرائیل را تامین می‌کند، در حالی که ۴۰ درصد از میدین خزر آذربایجان و ۳۰ درصد دیگر از روسیه تامین می‌شود که همگی عمدتاً از طریق ترکیه حمل می‌شوند. در حالی که رژیم صهیونیستی با احتیاط به سمت استقلال انرژی حرکت می‌کند، که بیشتر انرژی سبز را شامل می‌شود، اما همچنان تامین انرژی خود را از کشورهایی مانند قزاقستان حفظ می‌کند حتی اگر به تنوع بخشیدن به منابع نفتی خود و ساخت و ساز ادامه دهد. افزایش ذخایر استراتژیک یکی از دلایلی است که آذربایجان تقریباً دو برابر قزاقستان نفت به اسرائیل و سایر مناطق عرضه می‌کند علیرغم اینکه تنها یک‌چهارم ذخایر قزاقستان و ۶۰ درصد تولید آن را تولید می‌کند. علاوه بر این، فرصتی برای اسرائیل برای صادرات گاز عمدتاً به اروپا و آسیا، وجود دارد، به نحوی که هم در قبرس و هم در ترکیه با یک کارخانه LNG ارتباط برقرار کرده است. انرژی قزاقستان همچنین می‌تواند از طریق کانال عسقلان- ایلات توسط نفت‌کش‌ها به اقتصادهای آسیایی صادر شود.

جایگاه قزاقستان به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی، به‌ویژه در جهان اسلام و شتاب مثبت آن در ابتکارات مختلف یکپارچه‌سازی، به اسرائیل یک ذخیره غیر قابل چشم‌پوشی از سرمایه دیپلماتیک و یک ظرفیت برای گفت‌وگو با جهان اسلام ارائه می‌دهد. در واقع متحدی مانند قزاقستان فقط به این دلیل برای اسرائیل ارزشمند نیست که محیط خود با اکثریت مسلمان را دور بزند (دیدگاهی در دهه ۱۹۹۰ وجود داشت)، بلکه به این دلیل ارزشمند است که به اسرائیل اجازه می‌دهد تا دوباره با مسلمانان در ارتباط باشد. علاوه بر این، زمانی که قزاقستان ریاست OIC را بر عهده گرفت، با دعوت از نماینده اسرائیل در آستانه برای شرکت به عنوان ناظر در نشست اقتصادی در اواسط سال ۲۰۱۱، سابقه قبلی را شکست و برای اولین بار اسرائیل در این نشست حضور پیدا کرد (Feiler & Lim, 2014: 35-36).

علاوه بر انرژی و وجود مسلمانان در قزاقستان، سومین محرک در روابط قزاقستان با اسرائیل، ایران بوده است. در این زمینه، روابط آستانه و تهران تاکنون صمیمانه بوده است، اگرچه هنوز به گرمی نسبی روابط ایران و ترکمنستان نزدیک نشده است. در سال ۲۰۱۲، ارزش تجارت دوجانبه قزاقستان و ایران ۶۷۸ میلیون دلار بود که ۹۲ درصد آن به شکل صادرات به ایران، عمدتاً فرآورده‌های نفتی پالایش‌شده و دانه گندم بوده است. پس از ترکیه که حجم تجارت آن با آستانه بیش از ۴ میلیارد دلار است، ایران بزرگ‌ترین شریک تجاری قزاقستان در خاورمیانه است که چند برابر امارات که در رتبه بعدی قرار دارد با قزاقستان روابط تجاری دارد. در حالی که هر دو کشور ظرفیت انرژی بالایی دارند، ایران فاقد ظرفیت پالایشی کافی برای مصرف داخلی است، بنابراین از قزاقستان برای پر کردن بخشی از این شکاف استفاده می‌کند. در حالی که ایران نفت، غلات و فلزات از قزاقستان وارد می‌کند، قزاقستان مواد غذایی و پوشاک موردنیاز را از ایران وارد می‌کند و علاقه‌مند به جذب سرمایه‌گذاری از ایران در بخش‌هایی مانند مخابرات، حمل‌ونقل و زیرساخت است. در آوریل ۲۰۰۷، تهران و آستانه با عشق‌آباد برای ساخت یک خط راه‌آهن شمال-جنوب به طول ۹۰۰ کیلومتر که قزاقستان و ترکمنستان را به ایران متصل می‌کند، توافق کردند، این خط آهن در راستای افزایش تجارت بین سه کشور تنظیم شد اگرچه تأخیرهایی به خصوص از سوی ایران وجود داشته است. این کریدور ریلی در صورت تکمیل، امکان دسترسی آسان‌تر و نزدیک‌تر قزاقستان و ترکمنستان به خلیج فارس را فراهم می‌آورد (Feiler & Lim, 2014: 35-36). علاوه بر این، ایران و قزاقستان در محیط‌های چندجانبه مانند سازمان ملل، سازمان همکاری اسلامی، اکو، و سازمان همکاری شانگهای که ایران در سال ۲۰۲۱ از وضعیت ناظر به عضویت کامل درآمده است نیز با هم در مذاکره و تعامل هستند. علاوه بر این قزاقستان میزبان دو دور مذاکرات بین ایران و گروه ۵+۱ در آلماتی در فوریه و آوریل ۲۰۱۳ بود و پیشنهاد میزبانی بانک سوخت هسته‌ای با اورانیوم با عنای پایین را به نمایندگی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داده است. پس از استقلال قزاقستان، نگرانی‌ها مبنی بر فروش اورانیوم قزاقستان به ایران به سرعت توسط مقامات قزاق برطرف شد. در جریان دیدار پرز رئیس جمهور وقت اسرائیل در ژوئن ۲۰۰۹ از آستانه، نظربایف بر تعهد قاطع خود در قبال تامین هرگونه مواد هسته‌ای به ایران تاکید کرد. در مورد سیاست

قزاقستان در قبال اسرائیل و ایران باید گفت که قزاقستان یک سیاست دو سویه با هر دو طرف را ایفا کرده است و با هر دو طرف روابط خود را حفظ کرده است.

روابط اسرائیل با آذربایجان

در ابتدا باید ریشه تاریخی روابط آذربایجان با اسرائیل را مورد بررسی قرار داد. در ابتدا، در اوایل دهه ۱۹۹۰، روابط آذربایجان و اسرائیل با کمک ترکیه شکل گرفت، زیرا آنکارا روابط نزدیکی با هر دو کشور برقرار کرده بود. به عبارت دیگر، اتحاد تاکتیکی اسرائیل با ترکیه در دهه ۱۹۹۰، تل آویو را قادر ساخت تا روابط پایداری با آذربایجان برقرار کند. همانطور که در دهه گذشته شاهد بودیم، حتی با وجود اینکه اتحاد ترکیه و اسرائیل رو به وخامت گذاشته و فروپاشیده بود، روابط بین اسرائیل و آذربایجان مستقل از ارتباط آنکارا - تل آویو تقویت شده و به یک مشارکت استراتژیک تبدیل شده بود و ثابت شده که این روابطه بسیار انعطاف پذیر است. باید گفت که همکاری آذربایجان و اسرائیل از سال ۲۰۰۷ با موفقیت از بحران ترکیه و اسرائیل جان سالم به در برده است. بنابراین واضح است که محرک‌های عمل‌گرایانه قوی وجود دارد که باکو و تل آویو را پیوند می‌زند. ایران از همان ابتدا نسبت به این رابطه نوظهور محتاط بوده است چراکه آذربایجان سومین کشور مسلمان‌نشین است که پس از ترکیه و مصر روابط استراتژیک و اقتصادی با اسرائیل برقرار کرده است. با این حال، علیرغم سطح بسیار پیشرفته روابط دوجانبه، ذکر این نکته مهم است که آذربایجان هنوز روابط دیپلماتیک «رسمی» با اسرائیل ندارد. هیچ کنسولگری یا سفارت جمهوری آذربایجان در اسرائیل وجود ندارد، اگرچه اسرائیل در فوریه ۱۹۹۳ سفارت خود را در باکو به طور رسمی افتتاح کرد. دلیل باکو برای غیبت نمایندگان دیپلماتیک این کشور در اسرائیل به دلیل عدم تمایل باکو برای خصومت آشکار با ایران و به خطر انداختن عضویت این کشور در سازمان‌های بین‌المللی مسلمان نظیر سازمان همکاری اسلامی، بیان شده است. با این حال، مشخص است که سیاست خارجی آذربایجان در اسرائیل به طور غیررسمی توسط شرکت دولتی (ایرلاین ملی آذربایجان - آئچ) و دفتر کانال تلویزیونی لیدر نمایندگی می‌شود، زیرا گزارش شده است که این سازمان‌ها به عنوان عوامل بالفعل خدمت می‌کنند. از سوی دیگر، سفرهای رسمی در سطح بالا بین آذربایجان و اسرائیل امری متداول بوده است، همانطور که در سفر شیمون پرز رئیس‌جمهور اسرائیل به باکو در سال ۲۰۰۹ نشان داده شد که بیان‌کننده اهمیت روابط برای باکو و تل آویو بوده است. این سفر و روابط قوی ظاهراً مخفیانه رژیم باکو با اسرائیل واکنش شدید ایران و گروه‌های طرفدار ایران در داخل کشور را به دنبال داشته، زیرا دولت آذربایجان با اشاره به تفاوت فاحش بین این ایران و اسرائیل از «گفتمان دوگانه با هر دو» سخن به میان آورده است. حتی از «الهام علی‌اف»، رئیس‌جمهور آذربایجان، در یک تلگراف دیپلماتیک نقل شده که روابط آذربایجان - اسرائیل را به عنوان یک کوه یخ که نه دهم آن زیر سطح آب است، تعریف کرده است. باوجود تلاش‌های باکو برای پنهان نگه‌داشتن روابط قوی، شراکت استراتژیک بین آذربایجان و اسرائیل در حال حاضر کاملاً آشکار است. واضح است که به دلیل تنش مداوم بین اسرائیل و

ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و همسایه جنوبی آذربایجان، داشتن مشارکت استراتژیک با تل‌آویو یک خطر بالقوه برای باکو محسوب می‌شود (Goksel, 2015: 656-657).



نقشه ۲. نقشه موقعیت جمهوری آذربایجان در شمال ایران در قفقاز جنوبی

(Authors)

باید گفت که از زمان استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱، اسرائیل علاقه زیادی به پروژه‌های انرژی مربوط به آذربایجان نشان داده است که قابل توجه‌ترین آن تمایل دیرینه اسرائیل برای ساخت خط لوله است که نفت آذربایجان را از طریق گرجستان به ترکیه (باکو - تفلیس - جیحان) و در نهایت از ترکیه به اسرائیل از طریق دریای مدیترانه می‌رساند (Goksel, 2015: 658).

بنابراین در دکترین پیرامونی اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی آذربایجان حائز اهمیت فراوانی برای اسرائیل است. اسرائیل از روابط نزدیک با آذربایجان با وجود اکثریت مسلمان شیعه برخوردار است. روابط آذربایجان با اسرائیل به دلیل اینکه به عنوان بخشی از یک وابستگی چهارجانبه میان اسرائیل، آذربایجان، آمریکا و ترکیه است برای آذربایجان حائز اهمیت است. فراتر از منافع مشترک و تمایل به خرید تسلیحات و فناوری اسرائیل، تلاش آذری‌ها برای بهبود روابط با اسرائیل نیز ناشی از تلاش برای جذب لابی یهودی در کنگره آمریکا در راستای مقابله با لابی ارمنی است. اهمیت جذب لابی یهودی به نمایندگی برای آذربایجان پس از تصویب موفقیت‌آمیز بند ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی در سال ۱۹۹۲ بود. این قانون پس از کمپین لابی ارمنستان که کمک‌های خارجی به آذربایجان را تا زمانی که به محاصره این کشور ادامه می‌داد ممنوع کرده بود، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. این ممنوعیت برای ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی تا ۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به قوت خود باقی بود

(Murinson, 2010: 75). سیاستمداران آذربایجان همچنان روابط با لابی یهودی را مهم می‌دانند. برای مثال، در ژوئن ۲۰۱۳، وزیر امور خارجه، المر ممدیاروف، در مجمع جهانی کمیته یهودیان آمریکا سخنرانی کرد. او در بخشی از سخنرانی خود در مورد روابط آذربایجان و اسرائیل صحبت کرد و خاطرنشان کرد که این روابط "بسیار فراتر از روابط دیپلماتیک" است (Embassy of the Republic of Azerbaijan, 2013). روابط با آذربایجان برای اسرائیل نیز به چند دلیل مهم است. اول اینکه آذربایجان تامین کننده اصلی نفت این کشور است. بر اساس برآوردهای اخیر، باکو تقریباً ۴۰ درصد از نفت خود را از طریق خط لوله باکو-تفلیس-جیهان (اسرائیل ششمین دریافت‌کننده بزرگ صادرات نفت آذربایجان است) در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد (Shaffer, 2013). این واقعیت که این خط لوله از ترکیه می‌گذرد همچنین درآمد قابل توجهی از این نفت را برای آنکارا به ارمغان می‌آورد که حداقل به حفظ سطحی از روابط بین اسرائیل و ترکیه کمک می‌کند. علاوه بر این، گزارش شده است که مقامات باکو در تلاش برای میانجی‌گری بین این دو بودند تا به ارتقای روابط بین اسرائیل و ترکیه کمک کنند (Pfeffer, 2013). با این تصور که روابط اسرائیل با مناطق پیرامونی و آنکارا بخشی از یک بازی حاصل جمع صفر نیست.

در مورد روابط امنیتی، گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه اسرائیل به آموزش نیروهای امنیتی فرودگاه آذربایجان و نیروهای امنیتی کارکنان ارشد دولتی در آذربایجان کمک کرده است (Murinson, 2010: 110). به عنوان بازتابی از گستره روابط امنیتی آن‌ها، آذربایجان و اسرائیل در فوریه ۲۰۱۲ قراردادی به ارزش ۱.۶ میلیارد دلار برای تامین تسلیحات امضا کردند که شامل هواپیماهای بدون سرنشین و سیستم‌های ماهواره‌ای می‌شد (AssociatedPress, 2012). علاوه بر این، فراتر از همکاری غیرنظامی در زمینه‌های مختلف و حضور چندین شرکت اسرائیلی، تل‌آویو نیز به باکو در ایجاد یک شرکت تسلیحاتی بومی کمک می‌کند. بر اساس گزارش‌ها، یک شرکت مشترک در حال حاضر تأسیس شده و شروع به تولید خودروهای نظامی بدون سرنشین در آذربایجان کرده است (Shaffer, 2013). از سوی دیگر در میان جمهوری‌های ترکمنستان، آذربایجان از نظر زبانی و تاریخی نزدیک‌ترین کشور به ترکیه است. با کاهش روابط اسرائیل و ترکیه، ترکیه تلاش کرد آذربایجان را برای سرد کردن روابط با اسرائیل تحت فشار قرار دهد (Cohen, 2011). الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان به احتمال زیاد درخواست‌های ترکیه را به دلیل مزایای قابل توجهی که از روابطش با تل‌آویو به دست آورده بود و همچنین حضور سیاستمدارانی در کنار وی که نفوذ فزاینده اسلام سیاسی در ترکیه را نگران‌کننده می‌دانند، رد کرد. با این حال، این بدان معنا نیست که روابط با آذربایجان همیشه آشکار است یا این که آذربایجان به طور مداوم از موضع سیاسی تل‌آویو حمایت می‌کند. علی‌اف روابط با اسرائیل را مانند کوه یخ توصیف کرد که «نه دهم آن زیر سطح است» (Perry, 2012). علاوه بر این، مانند سایر متحدان پیرامونی که تلاش می‌کنند منافع خود در اسرائیل و نگرانی‌های جهان عرب-اسلام را متعادل کنند، باکو هیچ سفارتی در تل‌آویو ندارد و در مجامع خاص اسرائیل را محکوم کرده و علیه

آن رای داده است. برای مثال، آذربایجان به عنوان عضوی از شورای همکاری اسلامی رأی داده است و همچنین به حمایت از ارتقای وضعیت فلسطین به «کشور ناظر غیر عضو» در سازمان ملل رأی داده است (Guzansky, 2015). رژیم صهیونیستی همچنین در جریان نبرد قره‌باغ آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ به حمایت از آذربایجان پرداخت. در این نبرد سلاح‌ها و تجهیزات مدرن ساخت خود را در اختیار آذربایجان قرار داد. یکی دیگر از مواضع اسرائیل در جریان بحران قره‌باغ، همکاری با ترکیه در این زمینه بوده که فرصتی برای اسرائیل فراهم آورد تا به بهبود روابط تیره شده خود با ترکیه در طی سال‌ها اخیر بپردازد.

از نظر امنیتی، مرز مشترک آذربایجان با ایران نیز در روابط بین اسرائیل و آذربایجان حائز اهمیت است. پس از افشای پیشین شبکه جاسوسی اسرائیل در داخل ایران که با افسران پرونده آن‌ها در ترکیه ملاقات کردند، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است. حتی گزارش‌هایی وجود دارد که بعدها توسط آذربایجان و اسرائیل تکذیب شد و حاکی از آن است که در صورتی که اسرائیل تصمیم به حمله به ایران بگیرد، پایگاه‌های هوایی در آذربایجان در اختیار اسرائیل قرار خواهد گرفت (Keinon, 2012; Perry, 2012). اسرائیل به وضوح از وجود سکوهایی برای اقدام نظامی در امتداد مرز ایران سود خواهد برد، چه در مواردی که اقدامی ضروری تلقی شود و چه برای بازدارندگی استفاده شود. بنابراین، روابط باکو و تل‌آویو بیشتر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بخش نظامی و سیاسی تأثیر می‌دارد. تل‌آویو در تلاش است با استفاده از اقداماتی نظیر ایجاد سامانه‌های راداری پیشرفته و پایگاه‌های استراق سمع در مجاورت مرزهای ایران، انجام فعالیت‌های جاسوسی در کسب آمادگی برای انجام حملات قربتی علیه ایران، موقعیت خود را در برابر ایران ارتقا و در مقابل، آسیب‌پذیری جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد. به همین دلیل، مقام‌های ایرانی بارها از روابط دوستانه جمهوری آذربایجان با اسرائیل ابراز نگرانی کرده و دولت جمهوری آذربایجان را به همکاری با جاسوسان و تروریست‌های اسرائیل متهم کرده‌اند. از دید مقامات اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران نه تنها برای آن رژیم، بلکه برای کل منطقه خاورمیانه خطری جدی به شمار می‌رود. بنابراین، قبل از اقدامات شورای امنیت باید از کلیه روش‌ها برای ضربه زدن به این برنامه یا متوقف کردن آن استفاده شود؛ زیرا ایران دشمن شماره یک اسرائیل است. راهبرد امنیت ملی اسرائیل مبتنی بر جلوگیری از هسته‌ای شدن کشورهای خاورمیانه است بنابراین، اسرائیل که ایران را به عنوان تهدیدکننده اصلی امنیت ملی و موجودیت خود می‌داند (Kuperwater, ۲۰۱۵:۲۰). از هسته‌ای شدن ایران هراس دارد و حتی تهدید کرده که در صورت عدم اقدام جدی از سوی شورای امنیت در راستای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران تأسیسات هسته‌ای این کشور را مورد هدف قرار خواهد داد. علاوه بر این، حضور نظامی - امنیتی اسرائیل در آذربایجان با توجه به تعارضات استراتژیک این رژیم با ایران، می‌تواند به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه منجر شود که ضمن واگرایی سیاسی - امنیتی میان کشور جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی پیرامونی ایران را ناامن کرده و باعث چالشی جدی برای امنیت ملی ایران می‌شود. از طرف دیگر، حضور اسرائیل ممکن است باعث بسترسازی حضور ناتو و آمریکا در قفقاز جنوبی شود، هرچند

ناتوا اعلام کرده است فعلا قصدی برای همکاری با آذربایجان ندارد (Kucera,2016). همه این موارد برای ایران تهدید است.



نقشه ۳. نقشه شدت و ضعف حضور اسرائیل در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

(Authors)

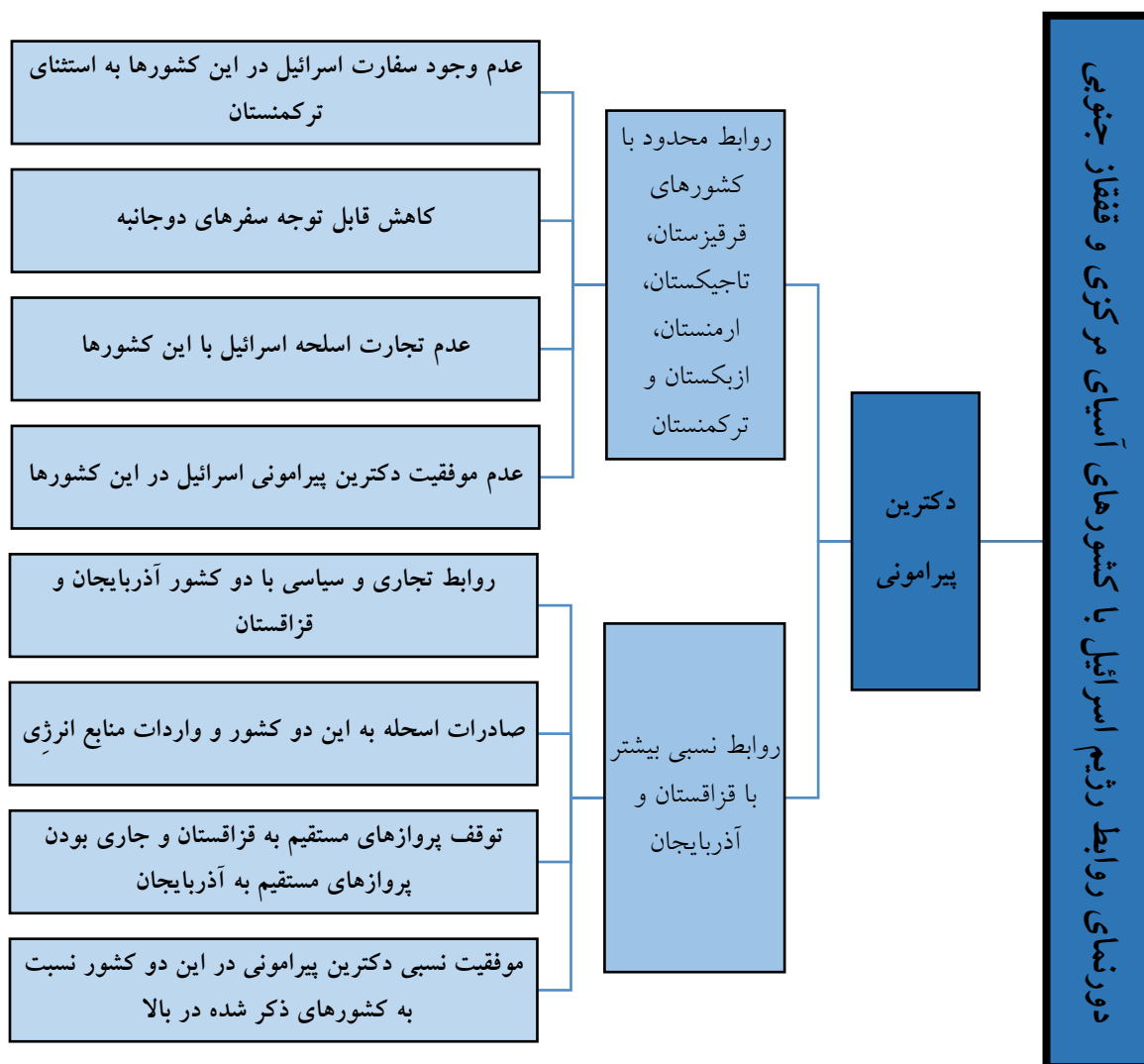
تجزیه و تحلیل یافته‌ها

علیرغم روندهای مثبتی که در بالا نشان داده شد، دکترین پیرامونی اسرائیل در قفقاز و آسیای مرکزی موفقیت چندانی به دست نیاورده است و روابط تجاری اسرائیل با آذربایجان و قزاقستان نشان دهنده موفقیت کم آن بوده است. هیچ یک از ۱۲۰ تاجری که «شیمون پرز» را در سال ۲۰۰۹ به قزاقستان همراهی کردند، هرگز در آنجا سرمایه‌گذاری نکردند (Feiler & Lim,2014).

در این رابطه بررسی صادرات و واردات انجام شده در آذربایجان در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که اگرچه اسرائیل با ۴۵۷ میلیون دلار در رتبه ۸ صادرات برای آذربایجان قرار دارد که این بیشتر به خاطر صادرات منابع انرژی است ولی از بعد واردات آذربایجان ایران با ۳۰۰ میلیون دلار در رتبه ۹ صادرکننده به آذربایجان قرار دارد این در حالی است که اسرائیل با ۲۸ میلیون دلار به آذربایجان در جزو ۴۰ صادرکننده اصلی به آذربایجان هم محسوب نمی‌شود. در ارتباط با قزاقستان هم بررسی آمار نشان دهنده وضعیت تقریباً مشابهی با آذربایجان است. در قزاقستان، ایران با ۱۰۸ میلیون دلار صادرات در سال

۲۰۲۰ به قزاقستان در رتبه ۲۸ صادرات به این کشور قرار دارد این درحالی است که این رقم برای اسرائیل ۴۸ میلیون دلار محسوب می‌گردد (tradingeconomics, 2020).

پروازهای مستقیم بین قزاقستان و اسرائیل در حال حاضر متوقف شده است این درحالی است که پروازهای مستقیم بین آذربایجان و اسرائیل همچنان وجود دارد. شورای امنیت ملی اسرائیل با استناد به "تداوم تهدیدهای بالقوه" از هرگونه سفر غیر ضروری به این دو کشور جلوگیری می‌کند (Ahren, 2016). در سال ۲۰۰۹، قزاقستان یک تاجر اسرائیلی را به دلیل فروش تجهیزات نظامی معیوب در این کشور دستگیر کرد (Ynet News, 2010). در سال ۲۰۱۷، دولت اسرائیل از یک پیمانکار دفاعی اسرائیلی تحقیق کرد، زیرا این شرکت ظاهراً به مواضع دولت ارمنستان در قره‌باغ کوهستانی با یک پهباد حمله کرده تا میزبانان آذربایجانی خود را تحت تأثیر قرار دهد (Magid, 2018). مهم‌تر از آن، تجارت اسرائیل با قزاقستان و آذربایجان در مقایسه با روابط تجاری این کشورها با دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حاشیه قرار گرفته است. بزرگ‌ترین شرکای تجاری قزاقستان ایران و ترکیه هستند به طور مشابه، ترکیه مهم‌ترین شریک تجاری آذربایجان باقی مانده است، در حالی که تجارت آذربایجان و ایران به طور مداوم از روابط تجاری با اسرائیل پیشی گرفته است. چین و روسیه نیز از روابط تجاری اسرائیل در قزاقستان و آذربایجان پیشی گرفتند. حتی با احتساب فروش انرژی، اسرائیل تنها ۴.۵ و ۲.۲ درصد از صادرات و واردات آذربایجان در سال ۲۰۱۷ را به خود اختصاص داده است. تجارت اسرائیل در همان سال به ۰.۱۵ درصد و ۰.۳۱ درصد از صادرات و واردات قزاقستان رسید. علیرغم هیاهوی ایجاد شده توسط مفسران، اسرائیل یک شریک تجاری جزئی برای آذربایجان و قزاقستان باقی مانده است. تحلیل دقیق‌تر فروش تسلیحات همچنین نشان می‌دهد که اسرائیل نه در آذربایجان و نه در قزاقستان تامین کننده اصلی تسلیحات است. آذربایجان ۸۵ درصد از سخت‌افزار نظامی خود را از روسیه خریداری کرده، در حالی که ۴۱ میلیون دلار سخت‌افزار اسرائیلی که از سال ۱۹۹۲ به قزاقستان فروخته شد، که میزان ناچیزی را در مقابل بیش از ۲ میلیارد دلار فروش تسلیحات روسیه به قزاقستان نشان می‌دهد (Kucera, 2016). با این وجود، اگرچه اسرائیل بزرگ‌ترین فروشنده تسلیحات به هیچ یک از طرفین نیست، اما گام‌های بزرگی در نفوذ به بازارهای آذربایجان و قزاقستان برداشته است. اسرائیل مقادیر قابل توجهی نفت از آذربایجان و قزاقستان خریداری کرده است که هر دو به نوبه خود خریدار سخت‌افزار نظامی از اسرائیل بوده‌اند. با این حال، ادعاهایی مبنی بر اینکه این روابط اقتصادی محدود نشان دهنده یک اتحاد پایدار بین اسرائیل و این دو کشور است، وجود ندارد (Pinfold & Peters, 2019).



نمودار ۳. مدل تحلیلی یافته‌های پژوهش

(Authors)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش دکترین پیرامونی اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که دکترین پیرامون اسرائیل اگرچه در دهه ۱۹۶۰ شکل گرفته و زمان طولانی از تدوین آن می‌گذرد اما با مرور زمان و تغییر در نوع سیاست خارجی اسرائیل تغییر پیدا کرده و حوزه جغرافیایی گوناگونی را در برمی‌گیرد. اگر در گذشته دکترین پیرامونی در راستای مقابله با پان‌عرب‌یسم و کشورهای عرب پیرامون اسرائیل تعریف می‌شد این دکترین در حال حاضر بر اساس تقابل با محور مقاومت و ایران و مقابله با سایر کشورهای مخالف با رژیم صهیونیستی تعریف می‌-

گردد. در این میان انتخاب کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی انتخاب استراتژیک و هوشمندانه‌ای از سوی اسرائیل بوده است. مناطقی با اکثریت مسلمان و ساختار سیاسی لائیک که از حیث اقتصادی نیز در وضعیت مناسبی از حیث انرژی برخوردارند و همچنین یک بازار ویژه برای صادرات کالا دارند و از سوی دیگر در همسایگی و مرز با ایران قرار دارند. نکته دیگر در مورد اهمیت این مناطق نفوذ آمریکا در این مناطق و استفاده از این اهرم برای روابط با کشورهای منطقه است. علی‌رغم تلاش‌های انجام‌شده از سوی اسرائیل در راستای توسعه و نفوذ در این مناطق در راستای تحقق دکترین پیرامونی نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل نتوانست مشارکت‌های منطقه‌ای پایدار با پنج کشور (قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، ازبکستان و ترکمنستان) ایجاد کند بدین صورت که اسرائیل در رده پنج صادرکننده و واردکننده تجاری به این کشورها در حال حاضر قرار ندارد و حتی صنعت اسلحه اسرائیل با این پنج کشور درگیر نیست. و بخش قابل توجهی از جمعیت یهود ارسال‌شده به این کشورها به اسرائیل بازگشته‌اند. اسرائیل امروز روابط با اکثر کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی را اولویت سیاست خارجی نمی‌داند. سطوح پایین تجارت دوجانبه پیوسته نیز نشان‌دهنده نفوذ کمیاب منطقه‌ای معاصر اسرائیل است. در حال حاضر تنها ارمنستان و ازبکستان پروازهای تجاری مستقیم به اسرائیل ارائه می‌دهند.

در نقطه مقابل دکترین پیرامونی اسرائیل در آذربایجان و قزاقستان نسبت به این پنج کشور تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است. بیشتر روابط اسرائیل با این دو کشور نیز در حوزه انرژی و واردات انرژی از آن‌ها قرار دارد. آمار نشان دهنده واردات ۴۰ درصدی انرژی از آذربایجان و ۱۵-۲۵ درصدی از قزاقستان است. همچنین در زمینه نظامی و امنیتی نیز بین اسرائیل و این دو کشور توافقات و تعاملاتی انجام‌شده است. علیرغم هیاوهی ایجادشده توسط مفسران، اسرائیل در حال حاضر یک شریک تجاری جزئی برای آذربایجان و قزاقستان باقی‌مانده است. بزرگ‌ترین شرکای تجاری قزاقستان ایران و ترکیه هستند و همچنین تحلیل دقیق‌تر فروش تسلیحات نشان می‌دهد که اسرائیل نه در آذربایجان و نه در قزاقستان تأمین‌کننده اصلی تسلیحات نیست و روسیه به ایفای نقش در این زمینه می‌پردازد. آمار سال ۲۰۲۰ نشان دهنده واردات حدوداً ۱۰ برابری آذربایجان از ایران نسبت به اسرائیل و همچنین واردات حدوداً ۳ برابری قزاقستان از ایران نسبت به اسرائیل است. آنچه که مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد نشان دهنده عدم موفقیت دکترین پیرامونی اسرائیل در قفقاز و آسیای مرکزی دارد با این حال در این مورد نمی‌توان به صورت قطع سخن گفت بدین صورت که روابط اسرائیل با این دو کشور خیلی شفاف نیست. الهام علی‌اف رئیس‌جمهور وقت آذربایجان گفته که روابط آذربایجان با اسرائیل مانند یک کوه یخ است که نه دهم آن در زیر آب قرار دارد. از سوی دیگر مطالعات جدید نشان دهنده تحرکات اسرائیل در راستای دکترین پیرامونی در حوزه مدیترانه (روابط رو به رشد اسرائیل، یونان و قبرس) و خاورمیانه (عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی و بحرین) است که شاید نشان دهنده اولویت و ارجحیت این حوزه‌های ژئوپلیتیکی نسبت به قفقاز و آسیای مرکزی برای اسرائیل باشد.

کتابنامه

1. Aghayeva, S., (2012). Israeli FM: Azerbaijan could become mediator between Israel and the Arab world. Trend News Agency. Retrieved from <https://en.trend.az/azerbaijan/politics/2017969.htm>
2. Ahren, R., (2016). Reaching out to Muslims, Netanyahu plans Kazakhstan, Azerbaijan trips. The Times of Israel. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com/reaching-out-to-muslims-netanyahu-says-hell-visit-kazakhstan-azerbaijan/>
3. Alpher, Y. (2010). *Israel's troubled relationship with Turkey and Iran: the 'periphery' dimension*. Noref Report, Norweg: Norwegian Peacebuilding Centre, Available at http://www.peacebuilding.no/var/ezfl_ow_site/storage/original/application/69654c7bac7e39cea38bb20c7ea7efd5.pdf (accessed 16, December 2013).
4. Associated Press (2012). Israel signed large scale arms deal with Azerbaijan, Available at <http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/israel-signs-1-6-billion-arms-deal-withazerbaijan-1.414916> (accessed 16, December 2013).
5. Bengio, O., (2012). *The Kurds of Iraq: Building a State Within a State*. London: Lynne Rienner Publishers.
6. Bialer, U., (2007). Fuel bridge across the Middle East: Israel, Iran and the Eilat-Ashkelon Oil Pipeline, *Israel Studies*, 12(3), pp. 36–37.
7. Bishku, M., (2009). The South Caucasus republics and Israel. *Middle Eastern Studies*, 45 (2), 295–314.
8. Bourtman, I., (2006). Israel and Azerbaijan's furtive embrace. *Middle East Quarterly*, 13 (3), 47–57.
9. Cashman, G., & Fay, M., (2016). Uzbek envoy says Israel will have more friends in Muslim states. The Jerusalem Post. Retrieved from <https://www.jpost.com/Diplomatic-Conference/Uzbek-envoy-says-Israel-will-have-more-friends-in-Muslim-states-471184>
10. Cohen, D., (2012). Iran versus Azerbaijan: Israeli agents to blame. *Ynet*, No, 1. [Hebrew]. Available at <http://www.ynet.co.il/articles/0,7340,L-4204073,00.html>.
11. Embassy of the Republic of Azerbaijan to the United States of America (2013). Foreign minister Mammadyarov at the AJC global forum.
12. Feiler, G., & Lim, K., (2014). *Israel and Kazakhstan: Assessing the state of bilateral relations*. Ramat Gan, Israel: Begin-Sadat Center for Strategic Studies.
13. Gilad, B. (2002) Israeli-Iranian relations: underground diplomacy in Jegar, in: M. Jegar, Y. Govrin & A. Oded (Eds) *The Foreign Ministry: The First 50 Years* [Hebrew], Jerusalem: Keter).
14. Grebennikov, M., (2015). Skating on thin ice: Israel's strategic partnership with Azerbaijan in the South Caucasus. *Israel Journal of Foreign Affairs*, 9(3), 429–439.
15. Heller, J., (2010). *Israel and the Cold War: From the War of Independence to the Six-day War* [Hebrew]. Israel: Ben-Gurion Institute for Israel Studies).
16. Inor, H., (2002). Ethiopia and Israel in Jegar, in: Jegar, M., Govrin Y., & Oded, A., (Eds.). *The Foreign Ministry: The First 50 Years* [Hebrew]. Jerusalem: Keter).
17. Keinon, H., (2012). Reports Baku gave Israel Airfields are fiction. Jerusalem Post, Available at <http://www.jpost.com/Diplomacy-and-Politics/Reports-Baku-gave-Israel-airfields-are-fiction> (accessed 16, December 2013).
18. Keinon, H., (2016). Prime Minister Netanyahu to meet Cypriot president. The Jerusalem Post. Available at <http://www.jpost.com/Diplomacy-and-Politics/PM-to-meet-Cypriot-president-312068>

19. Keinon, H., (2019). Lieberman visits Azerbaijan to strengthen ties with country bordering Iran. *The Jerusalem Post*. Retrieved from <https://www.jpost.com/Israel-News/Lieberman-visits-Azerbaijan-to-strengthen-ties-with-country-bordering-Iran-567152>.
20. Kucera, J., (2016). Karabakh fighting highlights Azerbaijan's new Israeli weapons. *Eurasianet*. Retrieved from <https://eurasianet.org/karabakh-fighting-highlightsazerbaijans-new-israeli-weapons>.
21. Maeir, H., (2016). Israel, Azerbaijan sign batch of economic agreements. *Ynet News*. Retrieved from <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4892703,00>
22. Magid, J., (2018). Israeli drone maker said to have bombed Armenians for Azerbaijan faces charges. *The Times of Israel*. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com/israeli-dronemaker-said-to-have-bombed-armenians-for-azerbaijan-facescharges/>
23. Melman, Y., (2016). Iranian adversary reveals it bought \$5 billion in weapons from Israel. *The Jerusalem Post*. Retrieved from <https://www.jpost.com/Israel-News/Politics-And-Diplomacy/Israel-looking-to-sell-missile-defense-systemsto-Azerbaijan-475242>
24. Merhav, R., (2006). Covert diplomacy: its wane under the spotlight, in: M. Sela (Ed.) *Diplomacy and the Media: Who Leads Whom?* Tel Aviv: Tel Aviv University.
25. Murinson, A., (2010). *Turkey' Entente with Israel and Azerbaijan: State Identity and Security in the Middle East and Caucasus*. London: Routledge.
26. Murinson, A., (2014). *The ties between Israel and Azerbaijan*. Ramat Gan, Israel: Begin-Sadat Center for Strategic Studies.
27. Perry, M., (2012). Israel' secret staging ground, *Foreign Policy*. Available at http://www.foreignpolicy.com/articles/2012/03/28/israel_s_secret_staging_ground#sthash.ZUH0By3a.dpbs (accessed 16, December 2013).
28. Peters, J., (1987). Israel' relations with Black Africa 1973–1985. (PhD dissertation, Oxford).
29. Pfeffer, A., (2013). Iran claims it upgraded its submarine fleet. *Haaretz*, Available at <http://www.haaretz.com/blogs/the-axis/how-dangerous-is-iran-s-submarine-fleet.premium-1.444755> (accessed 16, December 2013).
30. Reid, O.R., (1959). Telegram from the embassy in Israel to the department of state in foreign relations of the United States, 1958–1960. Available at <http://history.state.gov/> (accessed 16, December 2013).
31. Pinfold, R.G., & Peters, J., (2019). The limits of Israel's periphery doctrine: Lessons from the Caucasus and Central Asia. *Mediterranean Politics*, 26(1), 25-49.
32. Shaffer, B., (2013). Azerbaijan' cooperation with Israel Goes beyond Iran tensions, The Washington Institute. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/azerbaijans-cooperation-israel-goes-beyond-iran-tensions>
33. Tibon, A., (2018). How pro-Israel Jews became Azerbaijan's secret weapon in Washington. *Haaretz*. Retrieved from <https://www.haaretz.com/us-news/.premiumhow-pro-israel-jews-became-azerbaijan-s-secret-weapon-in-washington-1.6033307>.
34. Ynet News. (2010). Kazakhstan jails Israeli businessman. Retrieved from <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-3854483,00.html>
35. Tziarras, Z., (2016). Israel-Cyprus-Greece: A 'comfortable' quasi-alliance. *Mediterranean Politics*, 21(3), 407–427.